خبرها

برگزاری نشست غیرمتعهدها در کوبا

ایسنا: نشست سران ۱۱۶ کشور عضو جنبش غیرمتعهدها طی چند روز آینده در کوبا برگزار خواهد شد تا سرسخت‌ترین منتقدان آمریکا به بررسی طیف وسیعی از مقولات بپردازند. به گزارش خبرگزاری رویترز روسای جمهور ایران و سوریه و نیز هیات بلندپایه‌ای از مقامات کره شمالی نیز در این نشست که در هاوانا برگزار خواهد شد شرکت خواهند کرد، اما بعید به نظر می‌رسد که فیدل کاسترو رهبر کوبا بتواند خود را برای ریاست بر اجلاس جنبش غیرمتعهدها برساند. به احتمال زیاد هوگو چاوس رئیس جمهور ونزوئلا و هم‌پیمان اصلی کاسترو جای رهبر کوبا را برای ایراد نطق‌های آتشین پر خواهد کرد و در نقش مخالف کاپیتالیسم غربی و حامی اقشار فقیر و کم‌درآمد جهان ظاهر خواهد شد.

نارضایتی اکثر اروپایی‌ها از بوش

مهر: نتایج یک بررسی جدید نشان می‌دهد که ۷۷ درصد مردم اروپا از عملکرد «جورج بوش» رئیس جمهوری آمریکا و تک‌روی وی در امور بین‌المللی رضایت ندارند. به نوشته روزنامه واشینگتن‌پست این در حالی است که نتایج بررسی سالانه «صندوق مارشال آلمان در ایالات متحده» در سال ۲۰۰۲ در همین خصوص ۵۶ درصد برآورد شده بود. به نوشته واشینگتن‌پست در حالی که میزان محبوبیت رئیس جمهوری آمریکا در داخل این کشور چندان رضایت‌بخش نیست، اما محبوبیت او در آمریکا بسیار بیشتر از اروپا است. در همین راستا، در حالی که ۸۲ درصد مردم آمریکا می‌گویند که این کشور باید نقش رهبری را در امور بین‌المللی داشته باشد، اما تنها ۳۷ درصد اروپایی‌ها آن را تایید می‌کنند و این در حالی است که این رقم در بررسی ۵ سال گذشته ۶۴ درصد برآورد شده بود.

رشوه برای انتشار مطالب ضدکاسترو

ایرنا: دولت آمریکا از طریق دفتر امور انتشار اطلاعات کوبا در واشینگتن به ۱۰ روزنامه‌نگار رشوه‌های هنگفتی پرداخت کرد تا مطالبی بر ضدانقلاب کوبا و «فیدل کاسترو» رهبر این کشور منتشر کنند. روزنامه آمریکایی نیویورک‌تایمز در این زمینه نوشت: سه تن از این روزنامه‌نگاران که در روزنامه اسپانیایی‌زبان «میامی هرالد» چاپ آمریکا مطالبی علیه کاسترو منتشر می‌کردند پس از کشف حقیقت اخراج شدند. همچنین یک گزارشگر امور کوبا در روزنامه «ال - نوو هرالد» از سال ۲۰۰۱ تاکنون مبلغ ۱۷۵ هزار دلار از آمریکا دریافت کرده است.

ممنوعیت سفر نظامیان آمریکا به ترکیه

ایرنا: واشینگتن با ابراز نگرانی از احتمال عملیات تروریستی سفر نظامیان آمریکایی به ترکیه را ممنوع کرد. به نوشته روزنامه حریت، واشینگتن در بخشنامه‌ای خطاب به فرماندهان نیروهای آمریکایی مستقر در اروپا خواهان خودداری نظامیان و غیرنظامیان شاغل در ارتش آمریکا از سفر به ترکیه شد. «بروس آندرسون» سخنگوی نیروهای آمریکا در اروپا در این مورد گفت: «این تصمیم در پی ارزیابی‌های امنیتی و با موافقت وزارت امور خارجه آمریکا اتخاذ شده است.» اخیراً در اثر انفجار بمب در شهرهای استانبول، ازمیر، آدانا، آنتالیا و ماریس در ترکیه، ده‌ها تن کشته و زخمی شده‌اند.

بوش تقسیم عراق را اشتباه می‌داند

ایسنا: جورج بوش طرح تقسیم عراق به سه منطقه مجزا را اشتباهی بزرگ دانست. رئیس جمهور آمریکا در اظهاراتی که در روزنامه وال استریت ژورنال چاپ شد با هرگونه طرحی که به تقسیم عراق به سه منطقه مجزا منجر شود، مخالفت کرد و آن را اشتباهی بزرگ دانست. وی افزود: مردم عراق نیز با این طرح موافقت نکرده و در همه‌پرسی قانون اساسی نیز به نفع این موضوع رای ندادند. بوش بار دیگر ضمن تاکید بر عزم کشورش جهت برقراری دموکراسی در خاورمیانه تصریح کرد: آمریکا هرگز از تلاش‌های خود جهت تحقق اصلاحات در خاورمیانه چشم‌پوشی نخواهد کرد.

پنج سال پس از ۱۱ سپتامبر

سفر مسلمانان به آمریکا افزایش یافت

گروه بین‌الملل: حوادث ۱۱ سپتامبر زندگی مسلمانان ساکن آمریکا را متحول و مهاجرت از کشورهایی مانند مصر، پاکستان و مراکش به ایالات متحده را به شدت محدود کرد. اما پنج سال پس از آن واقعه و در حالی که آمریکا همچنان درگیر مسائلی چون تروریسم، آزادی‌های مدنی و مهاجرت است، آمارهای سازمان امنیت ملی آمریکا و اداره آمار این کشور نشان از افزایش مجدد و چشمگیر مهاجرت مسلمانان به آمریکا دارد. مهاجرینی که از کشورهای مسلمان خاورمیانه، آفریقای شمالی و آسیا به آمریکا می‌روند، در حال مستقر شدن و ریشه دواندن در ایالت‌های مختلف از ویرجینیا تا تگزاس و کالیفرنیا هستند. آمارهای سازمان امنیت ملی آمریکا که از مسافران ۲۲ کشور مسلمان به آمریکا جمع‌آوری شده حاکی از صدور مجوز ورود ۴۰ هزار نفر در سال گذشته میلادی است؛ یعنی بالاترین رقم پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر. در سال ۲۰۰۵ تعداد مهاجران کشورهای مسلمان که مجوز اقامت دائم در آمریکا را گرفتند به ۹۶ هزار نفر، یعنی بیشترین تعداد در دو دهه گذشته رسید.

سفر بسیاری از آنها با سختی‌های فراوان و تحقیر و سختگیری‌های اداره مهاجرت آمریکا همراه بوده و برخی حتی با سیاست‌های آمریکا در خاورمیانه کاملاً مخالفند. اما آنها هم به دنبال همان آرمان‌هایی آمده‌اند که سال‌ها است مهاجرین را به سوی ایالات متحده سوق می‌دهد: موقعیت‌های بهتر اقتصادی و آزادی‌های سیاسی. وسوسه رسیدن به این آرزوها آنقدر قوی هست که بر نگرانی‌هایی همچون بدرفتاری آمریکایی‌ها با مسلمانان چیره شود. «بهزاد یغماییان» مهاجر ایرانی و کارشناس مسئله مهاجرت مسلمانان می‌گوید: «آمریکا همواره برای مسلمانان و غیرمسلمانان سرزمین رویاها بوده. مسلمانان هم با وجود مخالفت با سیاست‌های خارجی آمریکا هنوز به این کشور می‌آیند تا از آنچه در کشورشان ندارند، بهره‌مند شوند.»

مهاجرت مسلمانان به ایالات متحده از اواسط دهه ۱۹۶۰ و پس از آن که سهمیه مهاجرتی ساکنان اروپای شرقی کاهش یافت، یک باره رشد چشمگیری کرد، مسجدها یکی پس از دیگری در شیکاگو، لس‌آنجلس و نیویورک ساخته شد و نسل جدید مسلمانان با تحصیلات عالیه جایگاه خود را تثبیت کردند. در طول سه دهه بعد از آن، داستان مهاجرت مسلمانان به آمریکا با امید و شکوفایی روایت می‌شد. درصد مهاجرین مسلمانی که در رشته‌های دانشگاهی فارغ‌التحصیل می‌شدند از دیگر جوامع مهاجر بیشتر بود و متوسط حقوق دریافتی آنها براساس داده‌های اداره آمار آمریکا ۲۰ درصد بیشتر از سایرین بود. اما حملات ۱۱ سپتامبر وضعیت مسلمانان آمریکا را دگرگون کرد. مسجدها ویران شد، موج نفرت عمومی بالا گرفت و هزاران نفر از کشور اخراج شدند. برخی از مسلمانان نامشان را تغییر دادند تا با تبعیض‌های شغلی روبه‌رو نشوند و بسیاری به کانادا مهاجرت کردند. با این حال این دوره سیاه، به چشم بسیاری از مسلمانان نتایج مثبتی نیز در پی داشت و آنها را خود به خود از لحاظ سیاسی و اجتماعی در کنار هم قرار داد و متحول کرد. در سرتاسر کشور گروه‌هایی شروع به آموختن حقوق مدنی به مسلمانان و ثبت‌نام آنها برای شرکت در انتخابات و تشویق برای مخالفت با سیاست‌های جدید دولت فدرال ازجمله «قانون میهن‌پرستی» کردند. به گفته رهبران مسلمانان آمریکا، مهاجران جدید بهتر از قبلی‌ها می‌توانند با جامعه پس از ۱۱ سپتامبر روبه‌رو شوند، چرا که مراکز اسلامی بیش از همیشه سازماندهی شده‌اند و منابعی از قبیل راهنماهای حقوقی و اجتماعی به زبان انگلیسی بیشتر در دسترس قرار دارد.

با این حال خارج از مساجد و مراکز اسلامی، زندگی برای بسیاری از مسلمانان با فشار و سختی همراه است. به زنان مسلمان توصیه می‌شود برای فرار از متلک و کنایه‌های عابرین حجاب را کنار بگذارند و ظاهری غربی داشته باشند. در فرودگاه‌ها هم این مسلمانان هستند که باید بیش از همه انتظار بکشند و سئوال و جواب شوند. به عقیده بسیاری از مهاجران قدیمی زندگی پیش روی مهاجران مسلمان جدید هرگز قابل مقایسه با دوران خوش و صلح‌آمیز گذشته نیست.

بنابر تخمین‌ها، حدود شش میلیون مسلمان در آمریکا زندگی می‌کنند. از آنجا که اداره آمار آمریکا و سازمان امنیت ملی، مذهب مسافرین آمریکا را پیگیری نمی‌کنند، آمار هر دو برگرفته از تعداد مهاجرین از کشورهای مسلمان است و فرض می‌شود که بیشتر این مهاجرین مسلمان هستند. پس از ۱۱ سپتامبر مهاجرت از این مناطق به شدت کاهش یافت و افراد کمتری موفق به دریافت «گرین کارت» و ویزای غیراقامتی شدند. تا سال ۲۰۰۳ شمار مهاجرین از ۲۲ کشور مسلمان بیش از یک سوم کاهش یافت و از آن بدتر ورود دانشجویان و توریست‌ها از این کشورها تقریباً به نصف میزان قبلی رسید. پس از ۱۱ سپتامبر، سختگیری‌های آمریکا برای ورود به این کشور تنها مختص مسلمانان نبود و برای بسیاری از کشورها افزایش یافت، اما معیارها و قوانین جدید برای ورود مسافرین از کشورهای مسلمان همچون پاکستان، مراکش و ایران از همه سختگیرانه‌تر بود و هنوز هم هست. عوامل زیادی را به‌عنوان دلیل این کاهش ورودی می‌توان ذکر کرد از جمله آنکه رد درخواست صدور ویزا برای ورود به آمریکا، متقاضیان را ناامید می‌کرد و این خود باعث می‌شد تعداد کمتری برای ورود به آمریکا درخواست روادید کنند.

اما از سال ۲۰۰۴ دوباره این تعداد افزایش یافت و شمار افرادی که از کشورهای بنگلادش، ترکیه، الجزایر و دیگر کشورهای مسلمان برای زندگی راهی آمریکا شدند، ۲۰ درصد افزایش یافت. صدور ویزاهای غیراقامتی نیز در این دوره افزایش چشمگیر داشت. برای مثال در سال ۲۰۰۵ برای بیش از ۵۵ هزار اندونزیایی ویزای غیراقامتی صادر شد در حالی که این رقم در سال ۲۰۰۲ کمتر از ۳۶ هزار بود. به گفته «کریس بنتلی» سخنگوی اداره مهاجرت و شهروندی آمریکا این میزان افزایش به دلیل کاهش سختگیری‌های امنیتی نیست، بلکه دلیل آن افزایش دوباره درخواست ویزا و همچنین تسریع روند رسیدگی به این درخواست‌ها است. همچون دیگر مهاجران، مسلمانان هم از شیوه‌های متعددی برای ورود به آمریکا استفاده می‌کنند. پناهندگی، تحصیل و توریسم از جمله این روش‌ها است و کسانی هم که نزدیکان و اقوام‌شان در آمریکا هستند، برای ویزای اقامتی اقدام می‌کنند. عده کمی هم در لاتاری برنده گرین کارت می‌شوند. احمد یوسف ۲۹ ساله از همین دسته آخر است. او هیچ‌گاه فکر نمی‌کرد در لاتاری برنده شود، اما او یکی از ۵۰ هزار نفری بود که در سال ۲۰۰۳ از میان نه‌ونیم میلیون شرکت‌کننده از سرتاسر جهان موفق به دریافت گرین کارت شد. هنگام ترک مصر برخی از دوستانش به او می‌گفتند چطور می‌تواند به کشوری برود که مردم را در عراق و افغانستان می‌کشد. اما کسانی که در آمریکا زندگی کرده بودند، او را تشویق به رفتن می‌کردند. او ماه مه سال ۲۰۰۵ به آمریکا رسید و در یک ساندویچ فروشی کار پیدا کرد. او با چند مصری دیگر هم‌خانه شد، اما در یک ماه اول موفق به دیدن هیچ‌یک از همسایگانش در طول روز نشد. یوسف می‌گوید: «به شوخی به هم‌اتاقی‌هایم می‌گفتم: پس کی قرار است این آمریکا را ببینم؟» سه ماه بعد که در دکه خودش شروع به فروختن هات‌داگ کرد، کم‌کم کشور جدیدش را کشف کرد. او دلش برای شنیدن صدای اذان تنگ شده بود و برای خواندن نماز سجاده‌اش را کنار دکه‌اش پهن می‌کرد تا اینکه همسایگان به او هشدار دادند این کارش باعث می‌شود او را با مسلمانان تندرو اشتباه بگیرند. در نهایت احمد یوسف دبیر مرکز اسلامی جرسی سیتی شد. او می‌خواهد برای گذراندن دوره کارشناسی ارشد زبان عربی در دانشگاه کلمبیا ثبت‌نام کند و اکنون در اتاقی داخل مسجد زندگی می‌کند. نزدیک تخت‌خوابش جدولی برای نمازهای روزانه‌اش نصب کرده و اگر نمازش را اول وقت بخواند در جدول به عربی می‌نویسد: «درست.» او می‌گوید: «اینجا وضعیتم خیلی بهتر از زمانی است که هات‌داگ می‌فروختم.»

منبع: نیویورک تایمز

افشای شکنجه زندانیان توسط سیا

افشای ماجرای شکنجه‌های وحشتناک جسمی و روحی «ابو زبیده» اولین فرد مهم القاعده که پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ دستگیر و به زندان‌های مخفی «سیا» در تایلند منتقل شد، رسوایی دیگری را برای دولت بوش رقم زده و به موضوع جنجالی مباحثات کنگره آمریکا تبدیل شده است. نیویورک‌تایمز به افشای این مطلب پرداخته و می‌نویسد: چند روز پس از واقعه ۱۱ سپتامبر ماموران سیا «ابوزبیده» را در پاکستان دستگیر کردند. دستگیری وی با تیراندازی انجام گرفت به‌نحوی که ابوزبیده به شدت مجروح شد و از ناحیه شکم و ران که گلوله‌های فشنگ در آن قرار داشت دچار خونریزی شدید شده بود. ماموران سیا، وی را با بدنی خونین و تب بالا به خانه‌ای متروک در تایلند منتقل کرده و تحت شدیدترین شکنجه‌ها از وی بازجویی کردند. ابوزبیده ابتدا توسط ماموران اف‌بی‌آی بازجویی شد، اما بعد از سپرده شدن به دست ماموران سیا، تحت وحشیانه‌ترین شکنجه‌های جسمی و روحی قرارگرفت. ماموران سیا تحت عنوان بازجو وی را برهنه در اتاقی بسیار سرد که صدای ناهنجار آزاردهنده موزیک تند از آن پخش می‌شد زندانی کرده‌اند. شدت جراحات وی هنگام انتقال به تایلند به‌حدی بود که تا آستانه مرگ هم پیش رفت اما به سرعت وی را به بیمارستان منتقل کرده و از خطر مرگ نجاتش دادند، اما او همچنان تحت شکنجه‌های وحشتناک قرار داشت. این گونه شکنجه‌ها که در ارتش آمریکا هم کاربرد فراوان دارد به طور معمول در زندان‌های مخفی سازمان سیا علیه مظنونان به تروریسم اعمال می‌شود.

«جورج بوش» رئیس جمهوری آمریکا نیز چهارشنبه شب در سخنرانی‌اش، برای نخستین‌بار به موضوع زندان‌های مخفی سیا در نقاط مختلف جهان اعتراف کرده و حتی اشاره‌ای نیز به ماجرای زندانی شدن ابوزبیده و سیزده زندانی دیگر مظنون به تروریسم در زندان‌های مخفی سیا و انتقال آنها به گوانتانامو داشت. وی به طور اخص از ابوزبیده نام برد. بوش در سخنانش بر لزوم حفظ و بقای این زندان‌ها تاکید کرد و در واقع به نوعی غیرمستقیم روش‌های غیرانسانی شکنجه را که در این زندان‌ها اعمال می‌شود، توجیه کرد. بوش مدعی شد که هرگز اجازه شکنجه را صادر نکرده و از این عمل حمایت نخواهد کرد. نیویورک‌تایمز با حدود ۱۲ تن از بازجوهای بازنشسته یا فعال سازمان سیا و اف‌بی‌آی و نیز با ماموران دیگر سازمان‌های مجری قانون و اطلاعاتی آمریکا گفت‌وگوهایی انجام داده و همه آنها صحت شکنجه‌های وحشتناک را تایید و اعلام کرده‌اند که حاضرند در دادگاهی که برای تحقیق درباره این موضوع تشکیل می‌شود، شهادت دهند. در این حال آنگلا مرکل صدر اعظم آلمان به شدت از وجود زندان‌های محرمانه سیا انتقاد کرد و آن را مغایر با مفاهیم یک دولت قانونمند دانست. مرکل گفت: حتی در راستای مبارزه با تروریسم که جوامع ما را با تهدیدهای شدیدی روبه‌رو ساخته، نمی‌توانیم به هیچ عنوان این موضوع را توجیه کنیم. مرکل خاطرنشان کرد: ما باید برای مبارزه با تروریسم به دنبال راه‌حل سیاسی باشیم.

اولین انتخابات سراسری در کشور مونته‌نگرو برگزار شد

دردسرهای پس از استقلال

گروه بین‌الملل، سهیلا قاسمی: مونته‌نگرو روز گذشته و درست سه‌ماه پس از کسب استقلال شاهد برگزاری اولین انتخابات سراسری بود. این انتخابات که در آن ۷۴۷ نامزد برای احراز ۸۱ کرسی پارلمانی به رقابت پرداختند با نظارت نمایندگان جامعه بین‌الملل و سازمان‌های غیردولتی داخلی و خارجی انجام شد. همزمان انتخاب ۱۳ شهردار و ۱۴ عضو شورای شهر نیز برگزار شد.

مردم مونته‌نگرو هنوز هم کمی گیج و مبهوت به نظر می‌رسند. آنها در واقع هنوز نتایج رفراندوم روز ۲۱ مه را که به «جامعه دولت‌های صربستان و مونته‌نگرو» - آخرین باقی مانده از آنچه یوگسلاوی نامیده می‌شد- پایان داد هضم نکرده‌اند. اسلاویسا کروسکیک مسئول تلویزیون ملی مونته‌نگرو می‌گوید: «با کمک استقلال دری به روی افق‌های جدید گشوده شده است. مردم با خوش‌بینی بیشتری به آینده نگاه می‌کنند و فعلاً همین اندازه برایشان کافی است. اما آنها نیاز به زمان دارند.» مبارزات انتخاباتی برای انتخابات روز یکشنبه که برای احیای پارلمان و برخی شهرداری‌ها صورت گرفت چیزی نبود که ورود به مرحله جدید را تسهیل کند چرا که طرفداران و مخالفان استقلال مونته‌نگرو هنوز هم همان دغدغه‌ها و باورهای سه‌ماه پیش را دارند و در واقع این انتخابات برایشان میدان مبارزه جدیدی به حساب نمی‌آمد. اکثریت طرفدار نخست‌وزیر میلو جوکانوویچ رهبر -ائتلاف دموکراتیک سوسیالیست‌ها (DPS)- برای حفظ قدرت، شبکه‌ها، امتیازاتش و در عین حال حفظ تعهداتش در قبال اتحادیه اروپایی پا به عرصه انتخابات گذاشت. اپوزیسیون که در راس آن حزب سوسیالیست مردمی (SNP) قرار دارد نیز در حالی مبارزه را آغاز کرد که از فساد موجود در تمامی سطوح دولتی داد سخن داده و دولت را به انجام فعالیت‌های مافیایی متهم کرده است. دراگان کوپریویچا از نمایندگان حزب SNP در پارلمان که سابق بر این متحد حزب اکثریت بود می‌گوید: «جوکانوویچ می‌خواهد مونته‌نگرو را به صورت دارایی شخصی خود درآورد، هدایای دوستانش را با ایجاد خصوصی‌سازی و تضعیف دیگران بیشتر و بیشتر کند و به راحتی آدم‌های دوروبرش را بخرد.» میومیر موگوسا شهردار پودگوریتسا که اخیراً قلب پایتخت را به شکل انبار ساخت و ساز درآورده و اخیراً نیز از بنای یادبودی پرده‌برداری کرده است حرف‌های مخالفان را بی‌اهمیت دانسته و می‌گوید: «آنها وقتی استدلال یا برنامه‌ای ندارند شروع می‌کنند به تهمت زدن. اما ما عملگرا هستیم. آنها (مخالفان استقلال) دچار بیماری روانی هستند. آخر چطور می‌شود کسی بتواند خانه همسایه را به خانه خودش ترجیح دهد؟»

در این کشور کوچک که در آن همه همدیگر را می‌شناسند هر شایعه‌ای به راحتی در همه جا می‌پیچد. از وقتی که جنبشی به نام «جنبش برای تغییر» در صحنه سیاسی کشور ظاهر شده و هر دو جبهه را به یک شدت به باد انتقاد گرفته است لزوم بحث بر سر مسائل ملی بیش از پیش حائز اهمیت شده است. کوچا پاولوویچ یکی از نمایندگان این جنبش که وابسته به یکی از NGOها است می‌گوید: «مردم فکر می‌کنند که باید به سیستمی عادت کنند که در آن عده‌ای دارای ثروت میلیونی هستند. در حالی که ۵۰ درصد مردم روزانه ۲/۵ یورو درآمد دارند، ۳۰ درصد نیز به ۸۰ سانتیم در روز اکتفا می‌کنند. ما برای اینکه پیشنهادات ملموسی داشته باشیم می‌خواهیم به مردم ثابت کنیم که می‌توان این روند را تغییر داد.» ایوانا ژلیچ دبیرکل آکادمی دیپلماتیک که دکترای حقوق دارد می‌گوید: «به‌عنوان یک شهروند بسیار نگرانم چرا که دولت با حرف نزدن در مورد اولویت‌ها به نوعی جلوی چشم مردم پرده کشیده است. ما می‌خواهیم چه جامعه‌ای داشته باشیم؟ می‌خواهیم چطور زندگی کنیم؟ تردید و عدم آگاهی می‌تواند بسیار خطرناک باشد.»

جمهوری مونته‌نگرو که پیش از رسیدن به استقلال پول واحد، پلیس و سرویس گمرکی خود را داشت اخیراً از ایجاد ارتشی بسیار حرفه‌ای، تاسیس ۲۷ سفارتخانه، ورود به سازمان ملل متحد و نامزدی عضویت در ناتو خبر داده است. همچنین این کشور در حال تدوین قانون اساسی جدیدی است. در ماه ژانویه نیز تغییر مدارک به ویژه گذرنامه‌هایی که رویشان مهر «جمهوری سوسیالیست یوگسلاوی» خورده بود آغاز شد.

اما اینها تنها نیازمندی‌های یک کشور مستقل و به خصوص کشوری گرفتار درگیری‌های قومی و دموکراسی شکننده نیستند. میلکا تادیچ روزنامه‌نگار مانیتور می‌گوید: «ما مدتی طولانی تحت نفوذ یک رژیم مستبد زندگی کردیم. مردم نیازمند آموزش هستند نه تحریک. ما کارهای بسیاری پیش‌رو داریم. به عنوان مثال در شرایطی که آموزش عالی در تمامی رشته‌ها امکان‌پذیر نیست و امکان درمان همه بیماری‌ها وجود ندارد آن وقت ما می‌خواهیم چه چیزی را در اولویت قرار دهیم؟ امروزه همه چیز بدون کنترل در حال توسعه است و واقعاً طرحی مشترک وجود ندارد.» ژورم برکوویچ شاعر هم که از ۲۰ سال پیش تاکنون از استقلال کشورش دفاع کرده و تاریخ فراموش شده این کشور را مرور می‌کند این انتخاب را این گونه خلاصه می‌کند: «پس از کسب استقلال، حالا دو راه به روی ما باز است، مونته‌نگرو یا تبدیل به کشوری مافیایی خواهد شد یا دولتی قانونمند و مدرن می‌شود.»

منبع: فیگارو

نگاه

یازده سپتامبر مرکز ثقل تحول

مهدی وحیدی*

بخش اول

ساختار نظام بین‌الملل در طول تاریخ دستخوش تحولات گوناگونی بوده است و در هر برهه‌ای از تاریخ نظام‌های خاصی در پی حمایت معنوی و پشتیبانی ذهنی مکاتبی خاص عرصه نظامند و بازی‌های بین‌المللی را شکل می‌دهند. در قرن گذشته نیز که یکی از برگه‌های همین تاریخ تحولات است درگیری اصلی میان سه مکتب کمونیسم، فاشیسم و نازیسم و نیز لیبرالیسم در جهت کسب قدرت و ارتقای اندیشه‌های نظامی و عملی‌شان بوده است. در جنگ جهانی دوم مکتب فاشیسم و نازیسم از گردونه رقابت خارج شدند تا رقابت میان دو مکتب باقی‌مانده در جهت جهانی کردن افکار و آمال خود در طول دوران جنگ سرد صورت پذیرد ولی این رقابت نیز در نهایت در ابتدای دهه ۱۹۹۰ میلادی با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به پایان رسید. در واقع از ابتدای دهه ۹۰ میلادی عرصه روابط بین‌الملل فضا و مکان فکری و عملکردی خود را تنها در اختیار مکتب سرمایه‌داری لیبرالیسم به رهبری ایالات متحده آمریکا می‌دید. ولی گویی ایالات متحده آمریکا توقع چنین فضای فراخ و مکان گسترده‌ای را نداشت و در واقع هدایت و کنترل بازی‌های بین‌المللی در چنین سطح و حوزه‌ای را بدون وجود دشمن، امکان‌پذیر نمی‌دانست. محرومیت از وجود دشمن، آمریکا و مکتب لیبرالیسم را دچار سردرگمی کرد، لذا در طول دهه ۹۰ میلادی تا ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ ایالات متحده آمریکا دائماً در پی ایجاد تغییرات و تداومات خاصی جهت درونی کردن دشمنی بالقوه و بالفعل دنیای اسلام بدون مرز با اندیشه‌ها و آموزه‌های لیبرالیستی و اصول سرمایه‌داری آمریکا بود.

نقطه نهایی چنین دشمن‌سازی و رقیب‌آفرینی حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بود. یازدهم سپتامبر زمینه بازنگری در مفاهیم کلان ساختار نظام بین‌الملل و بازاندیشی در روندها و جریان‌ها و گرایشات سیاست جهانی و بازگشت قدرتمندانه دولت ملی به عرصه سیاستگزاری عمومی، نقش‌آفرینی بازیگران نوین، ایدئولوژیک شدن فضای عمومی، احیای رهیافت نظام‌گرایانه و مفاهیم سنتی قدرت، منافع ملی، رقابت، امنیت، توازن قوا و ائتلاف‌سازی بین‌المللی بود. در حقیقت رخداد یازدهم سپتامبر سال ۲۰۰۱ در نیویورک و واشینگتن خلاء تئوریک ناشی از بحران‌های معنا و مشروعیت ساختار نظام بین‌المللی را که بدون درگیری مکتبی طی شد پر کرد.

در جریان یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ برای اولین بار خاک اصلی کشور آمریکا بعد از ۱۸۱۲ میلادی مورد تهاجم قرار گرفت. در سال ۱۸۱۲ انگلیسی‌ها بخشی از خاک ایالات متحده را اشغال کردند و کاخ سفید را به آتش کشیدند اما از آن زمان به بعد هرگز هیچ دشمن خارجی‌ای نتوانست به خاک اصلی ایالات متحده آمریکا حمله کند، حتی در حمله ژاپنی‌ها به بندر پرل هاربر در سال ۱۹۳۱ خاک اصلی آمریکا مورد یورش قرار نگرفت چرا که در آن سال‌ها هنوز هاوایی به عنوان یکی از ایالات آمریکا شناخته نمی‌شد. ولی در حوادث یازده سپتامبر نمادهای قدرت اقتصادی - مرکز تجارت جهانی و قدرت نظامی- پنتاگون آمریکا تخریب شدند.

حال پس از گذشت چند سال از حوادث مذکور و با عنایت به نقش و تاثیرات رویداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در تحولات بعدی نظام بین‌الملل، دقت نظر در نحوه شکل‌گیری چنین عملیاتی و عواقب آن ابهامات عمیقی را در ذهن‌ها متبادر می‌کردند که از جمله آنها می‌توانیم اشعار داریم که اگر هواپیماها ربوده شده‌اند چرا خلبان‌ها از دکمه‌های هدایت اتوماتیک هواپیما و دکمه اعلام خطر استفاده نکرده‌اند؟ چرا هیچ گزارشی به برج هدایت فرودگاه داده نشده است؟ چگونه هواپیمای اصطلاحاً مسافربری به پنتاگون وارد و در معرض اخطار و یا شلیک اتوماتیک قرار نگرفته است؟ چگونه سیستم امنیتی فوق‌مدرن آمریکا هیچ اطلاعی از سازماندهی چنین عملیات گسترده‌ای نداشته است؟ چگونه تروریست‌ها توانسته‌اند بمب و سلاح به داخل هواپیما ببرند؟ این ابهامات و تناقضات در حادثه مذکور و اقدامات بعدی آمریکا در قرار دادن ایران و عراق در لیست محور شرارت و انتساب فوری مسئولیت حوادث به القاعده و طالبان و هدایت افکار عمومی جهان علیه مسلمانان همگی نشان از طرحی از پیش برنامه‌ریزی شده و سناریویی مصوب دارد.

حوادث ۱۱ سپتامبر حداقل چنین می‌آموزد که موازنه‌های سیاست بین‌المللی باثبات نیستند هر چند که در این شرایط خاص این موازنه‌ها به هم نخورده است ولی به خوبی مشاهده می‌کنیم که می‌تواند متحول شود. ۱۱ سپتامبر عامل اساسی و قطعی سیاست‌های تهاجم‌گرایانه و توسعه‌طلبانه آمریکا نیست بلکه مستمسک و بهانه لازم در توجیه اقدامات بعدی آمریکا به دست تصمیم‌سازان و گروه‌های فکری سیاست خارجی آمریکا است. در حقیقت این حادثه به مثابه کاتالیزوری در سیاست خارجی آمریکا بود که به بهانه مبارزه با تروریسم جهانی موجب لشکرکشی آمریکا به خاورمیانه شد. پس از حوادث ۱۱ سپتامبر بسیاری از مسلمانان تحت تعقیب قرار گرفتند و صرفاً به بهانه داشتن نام اسلامی یا پوشش اسلامی در آمریکا و سایر کشورهای متاثر از سیاست‌های نظام بین‌الملل بازداشت می‌شدند. طی چند ماه تمام موسسات خیریه و مساجد مسلمانان در آمریکا تفتیش شد و در ادامه سیاست‌های اسلام‌ستیزی به مخالفت جدی علیه مهاجرین خارجی بدل گشت.

* دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل

UNDP
سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور
VACANCY NOTICE FOR A JOINT PROJECT OF MPO/UNDP FOR DISASTER RISK MANAGEMENT IN I.R. OF IRAN
The Office of the United Nations Development Programme (UNDP) intends to recruit
1." IT System Administrator"
2." National Knowledge Facilitator"
3." National DRM Expert"
4." National Project Manager"
For further information, please consult the detailed job description posted on
http://jobs.un.org.ir
Please either apply online or send a copy of your CV to
registry.ir@undp.org
by 20 September 2006,
attention to Ms shaghayegh shafieyan.
Please insert vacancy name in the subject of the Email.

UNDP
Vacancy Notice for UNDP in Iran
The Office of the United Nations Development Programme (UNDP) intends to recruit a "Programme Assistant"- 016/2006
(Democratic Governance & Trade programme Cluster)
For further information, please consult the detailed job description posted on
http://jobs.un.org.ir
Please either apply online or send a copy of your CV to
registry.ir@undp.org
by 21 September 2006